

مبانی قرآن‌شناختی برای حکمی‌سازی علم مشاوره

سیده فاطمه موسوی^۱

مقاله پژوهشی

اصیل

Original
Article

چکیده

هدف: در قرآن کریم گزاره‌های هدایتگری وجود دارد که می‌توان از آنها گزاره‌های مشاوره‌ای را استنباط کرد. تحقق این امر، نیازمند مبانی جامع و مانعی است تا این استنباط‌ها از استواری لازم، برخوردار و مانع تحریف آنها شود. لذا هدف از انجام این مقاله، تبیین مبانی قرآن‌شناختی با نگاه به الگوی حکمی-اجتهادی، برای حکمی‌سازی علم مشاوره در دو حوزه امکان و جواز استنباط گزاره‌های مشاوره‌ای از آیات کریمه بود.

روش: روش این پژوهش، کتابخانه‌محور از نوع کاربردی، میان‌رشته‌ای و مسئله‌محور است. طریق اندیشه‌ورزی روی داده‌های کتابخانه‌ای نیز تبیینی و استنتاجی بود. **یافته‌ها:** مبانی قرآنی در حیطه امکان حکمی‌سازی علم مشاوره، جامعیت قرآن و گستره آن در هدایتگری بشر، فطری بودن آموزه‌های قرآنی، حکیم بودن کلام قرآن، مناسبت ویژگی‌های زبان قرآن با اصول مشاوره و وجود موضوعات مبنایی آموزه‌های مشاوره‌ای در قرآن کریم است. در حوزه جواز استنباط گزاره‌های مشاوره‌ای از گزاره‌های هدایتگر قرآنی، آیات دال بر تدبیر در قرآن کریم است. **نتیجه‌گیری:** با توجه به مبانی یافت‌شده در حوزه امکان و جواز استنباط گزاره‌های مشاوره‌ای از گزاره‌های هدایتگر قرآن، آیات کریمه بستر مناسب برای ایجاد نظام مشاوره‌ای را فراهم می‌کنند.

واژگان کلیدی: مشاوره، حکمی‌سازی، علم دینی، مشاوره قرآنی.

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز. شیراز، ایران. نشانی: شیراز؛ ایمان جنوبی، کوچه ۱۰، فرعی ۱۲، پلاک ۱۱۴، طبقه اول. شماره تماس: ۰۹۱۲۲۵۲۳۸۵۵ / famo0912@yahoo.com

Fateme.Mousavi@iaui.ac.ir

الف) مقدمه

بیش از یک سده از مباحث علم دینی در میان متفکران مسیحی و مسلمان می‌گذرد. متفکران معاصری چون سید محمد نقیب العطاس، نصر، جوادی آملی، مصباح و اسماعیل فاروقی این مسئله را دنبال می‌کنند (خسروپناه، ۱۳۹۰: ۳۰). اما در دهه اخیر، عبدالحسین خسروپناه پس از تبیین و تدریس نظریه‌های علم دینی، نظریه جدیدی با عنوان الگوی حکمی - اجتهادی ارائه داد (همان). این الگو، مدلی از اسلامی سازی علوم انسانی است که با بهره‌گیری از فلسفه مطلق و فلسفه مضاف اسلامی و با تبیین نظم انسان‌شناسی و ارزشی و مکتبی و روش‌شناسی اسلامی، به توصیف انسان تحقق‌یافته و انسان شایسته و توصیه انسان بایسته با رویکرد اسلامی می‌پردازد. این الگو نشان می‌دهد که نه تنها اسلامی سازی علوم انسانی ممکن است، بلکه برای جامعه اسلامی یک ضرورت است (همان: ۵۹). این نظریه، مدعی تحول در حیطه علوم انسانی و اسلامی کردن آن است. مقصود از علوم انسانی اسلامی، مجموعه گزاره‌های نظام‌مندی است که با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی (تجربی و غیر تجربی) و مبانی غیر تجربی (عقلی، وحیانی و شهودی) به تبیین، تفسیر یا توصیه درباره رفتارهای فردی و اجتماعی انسان (اعم از انسان مطلوب و انسان تحقق‌یافته) می‌پردازد (همو، ۱۳۹۴: ۲۰). این نظریه بر پنج رکن نظام فلسفی اسلام، نظام انسان‌شناسی اسلام، نظام ارزشی اسلام، نظام مکتبی رفتاری و اجتماعی اسلام و نظام روش‌شناختی اسلام تشکیل شده است (همو، ۱۳۹۰: ۲۹). مباحث علوم رفتاری اجتماعی مشتمل بر چهار بخش است: توصیف انسان مطلوب، توصیف انسان تحقق‌یافته، نقادی انسان محقق و ارائه توصیه برای تغییر انسان محقق به انسان مطلوب. (همو، ۱۳۹۷: ۱۳)

علوم رفتاری - اجتماعی، مهم‌ترین دسته علوم انسانی از نظر کاربرد در جامعه‌اند و مسئله تحول در علوم انسانی و نقش اسلام در این علوم بیشتر در این دسته از علوم مطرح است (همان: ۱۱). علم مشاوره از زیرشاخه‌های علوم رفتاری اجتماعی است که با هدف تغییر انسان محقق به انسان مطلوب، توصیه‌هایی را ارائه می‌دهد؛ زیرا مشاوره، جریان یاری‌دهنده‌ای است که به ارتباط خاص بین دو نفر نیاز دارد. یکی از این دو نفر؛ یعنی مراجع، معمولاً با مشکل روانی و عاطفی مواجه است و دیگری کمک می‌کند تا راه حلی برای مشکلش بیابد. (شفیع‌آبادی، ۱۳۷۱: ۳۵)

مشاوره از ریشه «شور» و در اصل به معنای گرفتن و بیرون کشیدن چیزی از مخزنش و آشکار کردن آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۳۴). در قرآن کریم چهار بار از ماده این واژه یاد شده که در سه مورد به معنای لغوی آن؛ یعنی استخراج و اظهار نظر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۹) دیگران (آل عمران: ۱۵۹) یا یکدیگر (بقره: ۲۳۳؛ شوری: ۳۸) برای رسیدن به تصمیمی محکم و استوار

اشاره دارد. در دیگر متون اسلامی نیز این واژه با همین معنا آمده است (ر.ک: امام صادق(ع)، ۱۴۰۰: ۱۵۲؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۸: ۳۴). در این متون، هدف از مشاوره، به دست آوردن علم جدید برای رسیدن به مراد بیان شده است. همچنین به وسیله مشاوره، شناخت و یقین و عبرت‌آموزی زیاد می‌شود. بنابر این، مشاوره با استناد به معنای لغوی و کاربردی‌اش در متون اسلامی به ویژه قرآن کریم، در بر دارنده این مطلب است که آغازگر فرایند مشاوره، مراجع است که خواستار رأی و نظر مشاور می‌باشد؛ همچنین هدف از آن، رسیدن به تصمیمی محکم و استوار بر پایه شناخت و یقین است. بنابر این، می‌توان مشاوره را بر پایه متون اسلامی چنین تعریف کرد: «مشاوره فرایندی یاری‌خواهانه از سوی مراجع برای به دست آوردن نظر صاحب‌نظری است که مراجع خواهان اوست. از رهگذر رأی آن صاحب‌نظر، مراجع به تصمیمی استوار و مطابق با شناخت واقعی در رویارویی با مشکلات می‌رسد». بازتاب این تعریف و برخی از تعاریف نوین، موارد ذیل است:

- محور مشاوره، مراجع است؛ اوست که با باور و اعتماد به یک مشاور، به رأی و نظر او احساس نیاز می‌کند.

- مراجع از رأی و نظر مشاور در تصمیم‌گیری‌های خود استفاده می‌کند. به عبارتی؛ در نهایت، مراجع است که تصمیم می‌گیرد. بنابر این، امر مشاوره در محدوده‌ای از مشکلات و ناملایمات است که مراجع هنوز قدرت تصمیم‌گیری درباره آنها را ندارد. ناهنجاری‌هایی که در قدرت تصمیم‌گیری و اختیار مراجع اختلال ایجاد کرده، در دامنه مشاوره نمی‌گنجند. نگاه ویژه متون اسلامی به مشاوره و وجود توصیه‌هایی در آیات و روایات که انسان محقق را به سمت انسان مطلوب تغییر می‌دهند، ظرفیتهای وسیعی را پدید می‌آورند تا بتوان از آنها برای حکمی‌سازی علم مشاوره بهره جست.

نگارنده در این پژوهش تلاش می‌کند به مبانی دین‌شناختی برای حکمی‌سازی علم مشاوره بپردازد. از آنجا که در قرآن حکیم به عنوان اصلی‌ترین متن اسلامی، گزاره‌های مشاوره‌ای متنوع و متعددی وجود دارد که می‌توانند در راستای تغییر انسان محقق به انسان مطلوب سودمند باشند، این پژوهش رویکردی قرآنی دارد و در پی پاسخ به این پرسش است که: مبانی قرآنی برای حکمی‌سازی علم مشاوره کدام‌اند؟

آشکار است که هدف اصلی نزول قرآن، هدایت بشر به پایدارترین مسیر (اسراء: ۹) و نه خلق علم مشاوره است. با این پیش‌فرض، برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش لازم است در

دو حیظه وارد شد: نخست، امکان حکمی سازی علم مشاوره؛ دوم، جواز حکمی سازی علم مشاوره.

بر این اساس، در پژوهش پیش رو، به دو پرسش ذیل پاسخ داده می شود: مبانی قرآنی امکان ساز برای حکمی سازی علم مشاوره کدام اند؟ مبانی قرآنی جوازدهنده برای حکمی سازی علم مشاوره کدام اند؟

ب) پیشینه

مشاوره دینی قدمتی به آغاز تاریخ بشر دارد. مردم برای حل مشکلاتشان به مذهب و مکتب آسمانی روی می آوردند و پیامبران و اولیای دین را افرادی آگاه و مورد اعتماد برای حل مشکلاتشان می دانستند (فقیهی، ۱۳۸۴: ۱۱). اما به طور ویژه حدود ۸۶۰ سال قبل از میلاد مسیح در معابد آسکلپیوس^۱ واقع در یونان، به منظور حل مشکلات روانی و عاطفی، اقدامهایی توصیه می شد (همان: ۱۲). از اواسط قرن شانزدهم میلادی، با نوشته های یوهان ویر و اسکات، مشاوره در مسیر علمی قرار گرفت و اقدامهایی خرافاتی مانند به غل و زنجیر کشیدن بیماران روانی مطرود شد. (همان: ۱۸)

هاردی^۲ در آکسفورد، اولین تحقیقات تجربه مذهبی را بنیان نهاد و اطلاعاتی از تجربیات مذهبی هزاران نفر از مردم گردآوری کرد و نتیجه گرفت در اوان کودکی، احساساتی نسبت به یک حقیقت فراتر آشکار می شود؛ احساسی مبنی بر اینکه چیز دیگری به جز خود فرد وجود دارد؛ احساس نیاز به شخصیت بخشیدن به این وجود به عنوان رب و برقراری ارتباط با او از طریق دعا کردن. (خدایاری فرد، ۱۳۸۱: ۵۸)

بعد از او، یونگ، آلپورت^۳، ویکتور امیل فرانکل^۴ و جیمز^۵ از جمله روان شناسانی بودند که اعتقاد داشتند ماهیت سازمان یافتگی روانی، از سلامت معنوی افراد ناشی می شود (فقیهی، ۱۳۸۴: ۳۶). نکته مهم اینکه، اگرچه آنان به تأثیر معنویت و دین در بهداشت روان معترف بودند، ولی هیچ کدام برای درمان مراجعان خود از گزاره های مبتنی بر آموزه های دینی استفاده نکردند. این روان شناسان صرفاً از زمینه های مذهبی مراجعان خود برای درمان آنان مدد می گرفتند؛ چنانکه فرانکل معتقد بود باید به بیمار، دینداری ناخود آگاهش یادآوری

1. Asclepius
2. Hardy
3. Allport
4. Farnkl
5. James

شود (فرانکل، بی تا: ۶۱). همچنین این روان‌شناسان یا خود‌دیندار بودند یا از طریق آزمون و مطالعه نگرشها و رفتارهای دینی مراجعان خود به معنادار بودن تأثیر دین در بهداشت روان معتقد شدند. در چند دهه اخیر، معدود پژوهشگرانی مانند ازهر و همکاران (۱۹۹۴)، از روان‌درمانگری مذهبی با روش مشاوره مسیحی استفاده کرده‌اند. (فقیهی، ۱۳۸۴: ۵۴)

در راستای پژوهش غربیان در رابطه با تأثیر دین بر کاهش مشکلات و فشارهای روانی، مسلمانان نیز از آموزه‌های دین اسلام مدد جستند. برای مثال می‌توان از کار بالینی خدایاری‌فرد (۱۳۷۹) در کاربرد مثبت‌نگری در روان‌درمانی بر اساس دیدگاه اسلامی نام برد که با استفاده از روش مثبت‌نگری از دیدگاه اسلام به درمان افسردگی و احساس حقارت پرداخته است. همچنین می‌توان به پژوهشهای فقیهی اشاره کرد که با آموزشهای حدیثی به زوجهای ناسازگار، باعث کاهش تنش میان آنها شده است (فقیهی، ۱۳۸۶: ۸۹). برخی تألیفات نیز به آموزه‌های اسلامی سودمند در مشاوره پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به مشاوره در آینه علم و دین (فقیهی، ۱۳۸۴) و رضایت‌مندی در زندگی (پسندیده، ۱۳۸۴) اشاره کرد.

برخی از قرآن‌پژوهان معاصر به جمع‌آوری آیات مؤثر در بهداشت روانی اقدام کرده‌اند؛ از جمله «روان‌شناسی اسلامی یا اخلاق و بهداشت روانی در اسلام» (شراقوی، ۱۴۰۱) که در باب دوم آن با عنوان بیماری‌های قلب، اختلالاتی مانند ریا، غضب و عصبانیت، غفلت، وسوسه، غرور و خودبینی، کینه و حسد و... با توجه به آیات قرآن بررسی شده‌اند و به درمان اسلامی آنها با رویکرد آموزه‌های قرآنی پرداخته شده است. روان‌درمانی با کلام آسمانی (خلجی‌موحد، ۱۳۷۹) نمونه دیگری است که با استناد به آیات کریمه، قوانینی از نظام آفرینش را بیان کرده که در امر مشاوره به کار می‌آیند. برخی از نوشته‌ها، صرفاً به روان‌شناسی از دیدگاه قرآن پرداخته‌اند؛ قرآن و روان‌شناسی (نجاتی، ۱۳۷۷)، الاسلام و علم النفس (بستانی، ۱۳۷۵) و روان‌شناسی اسلامی (حسینی، ۱۳۸۴) از جمله آنهاست. گرچه رویکرد این نوشته‌ها روان‌شناسی است، اما در گذر از موضوع روان‌درمانی، به برخی از اختلالات و درمان اسلامی آنها با رویکرد قرآنی نیز اشاره کرده‌اند.

با توجه به پیشینه ذکر شده، گرچه در راستای نیاز جوامع کنونی به مشاوره دینی برای استخراج و استنباط آموزه‌های مشاوره‌ای از متون دین اسلام تلاشهای ارزشمندی شده، اما هنوز مبانی علم مشاوره دینی به صورت نظام‌مند منقح نشده است. در دهه اخیر که تلاشهایی مدون در قالب الگوی حکمی‌سازی علوم انسانی توسط صاحب‌نظران مسلمان ارائه شده

است، شایسته و بایسته است در فرصت به دست آمده، گامهایی اساسی برای حکمی سازی علم مشاوره برداشته شود.

ج) روش

این پژوهش به شیوه کتابخانه محور و از نوع کاربردی، میان رشته‌ای و مسئله محور است. طریق اندیشه‌ورزی روی داده‌های کتابخانه‌ای نیز تبیینی و استنتاجی می‌باشد؛ به این ترتیب که با توجه به مبانی علم مشاوره و رویکرد تبیینی در آیات کریمه، دسته‌ای از مبانی استنتاج می‌شوند که می‌توان بر پایه آنها، گزاره‌های هدایتگر قرآن کریم را به عنوان گزاره‌های مشاوره‌ای در علم مشاوره به کار برد.

د) یافته‌ها

با اندیشه‌ورزی در آیات کریمه، دریافت می‌شود که مبانی قرآنی برای حکمی سازی علم مشاوره، در دو حوزه امکان و جواز، قابل تبیین می‌باشند.

۱. مبانی قرآنی در حیطة امکان حکمی سازی علم مشاوره

جامعیت قرآن و گستره آن در هدایتگری بشر، فطری بودن آموزه‌های قرآنی، حکیمانه بودن کلام قرآن، مناسبت ویژگی‌های زبان قرآن با اصول مشاوره و وجود موضوعات مبنایی آموزه‌های مشاوره‌ای در قرآن از مبانی قرآنی است که امکان حکمی سازی علم مشاوره را از قرآن فراهم می‌کنند.

یک) جامعیت قرآن و گستره آن در هدایتگری بشر

مراد از جامعیت قرآن، سیطره آموزه‌های قرآنی بر همه ابعاد زندگی بشر است؛ به گونه‌ای که می‌توان با استفاده از نصوص، ظواهر یا استنباط از لایه‌های معنایی آیات، به آموزه‌های نظام‌مند در علم مشاوره دست یافت. از جمله دلایل قرآنی که به جامعیت قرآن اشاره می‌کند، آیه ذیل است: «... وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹)؛ ... و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است بر تو فرو فرستادیم.

تبیان، به عنوان مصدر در موضع حال (صافی، ۱۴۱۸، ج ۱۴: ۳۷)، به معنای کشف و شرح مجمل و مبهم است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۳۶). قریب به اتفاق مفسران، به صراحت یا تلویحی، بر این عقیده‌اند که منظور از «کل شیء»، هر آن چیزی است که مورد نیاز بشر بوده (طباطبایی، ۱۴۱۷،

مبانی قرآن‌شناختی برای حکمی‌سازی علم مشاوره ♦ ۲۲۳

ج ۲۱: ۴۲۳) و به کار دین آید (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۸۲۶) یا اصول علوم مدّ نظر بوده است (سیوطی، ۱۳۹۴، ج ۴: ۲۸). به عبارتی؛ «کل شیء» لفظی عام است که از آن معنایی خاص اراده شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۶۸). چنین کاربردی در همهٔ زبانها رایج است؛ مانند وقتی که برای پذیرایی از مهمان می‌گوییم: «همه چیز در خانه هست»؛ اما منظور از همه چیز، چیزهای مورد نیاز برای پذیرایی است. پس «کل شیء» در قرآن نیز به معنای همهٔ چیزهایی است که در راستای هدف قرآن قرار دارند. به تعبیر دیگر؛ منظور از تبیین قرآن، بیان و توضیح هر چیزی و پاسخ دادن و ارائهٔ رهنمود در کلیهٔ مسائلی است که در قلمرو دین واقع شده و در حوزهٔ وظایف دین قرار گرفته است. اما قلمرو دین بر علوم و تمام نیازهای بشر سایه افکنده است؛ زیرا از یک سو سرنوشت انسان در این دنیا و آخرت، جدایی‌ناپذیر است؛ بنابراین، خوشبختی و سعادت و حیات انسانی در نظر اسلام، مشمول هر دو عالم است. از سوی دیگر، معارف دینی، تبیین همان قوانین و سنن ثابتی‌اند که علوم مختلف در جستجوی آن‌اند (ایازی، ۱۳۸۰: ۶۲، ۱۳۴، ۱۳۵). بنابراین، اگرچه هدف از نزول قرآن، بیان علم مشاوره نبوده، اما مشاوره در مسیر هدف قرآن، یعنی هدایت بشر قرار دارد. به تعبیر دیگر؛ قرآن گزاره‌هایی هدایتی دارد که مبتنی بر قوانین ثابت فطری و طبیعی و برای بهتر زیستن در این دنیا می‌باشند. از این گزاره‌های هدایتی می‌توان گزاره‌های مشاوره‌ای را استنباط کرد که در راستای بهینه کردن اندیشه، رفتار و هیجانات برای رویارویی بهتر با دشواری‌های زندگی به کار می‌آیند.

دو) فطری بودن روح حاکم بر آموزه‌های قرآنی

فطرت از ویژگی‌های خاص انسانی است که در اصل خلقت و آفرینش انسان نهادینه شده (مطهری: ۱۳۷۴: ۱۹، ۳۳)؛ بنابراین، هیچ تغییر و تبدیلی در آن صورت نمی‌گیرد. بدین ترتیب، آموزه‌هایی که بر پایهٔ فطرت بنا نهاده شده نیز در هیچ زمان و مکانی، گرد کهنگی نمی‌گیرد. از آنجا که آموزه‌های قرآنی بر پایهٔ فطرت بنا نهاده شده‌اند،^۱ هیچ محدودیت زمانی و مکانی را در بر نمی‌گیرند. بر اساس این ویژگی، می‌توان با حذف تاریخ‌مندی قرآن، از گزاره‌های هدایتی قرآن که مبتنی بر فطرت و طبیعت است، گزاره‌هایی مشاوره‌ای سودمند برای علم مشاوره استنباط کرد. برای مثال، توصیهٔ الهی به ذکر خداوند برای آرامش قلبها (رعد: ۲۸)، یکی

۱. آیهٔ ذیل به این ویژگی اشاره دارد: «أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيُّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰)؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده. دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

از سنت‌های فطری است که سرپیچی از آن پیامدهای ویرانگری از جمله ناآرامی را در پی دارد که می‌تواند ریشه بسیاری از مشکلات باشد. نمونه دیگر، بی‌توجهی به تفاوت‌های جنسیتی است که انحراف از سنت‌های طبیعی را به بار می‌آورد. بسیاری از مشکلات زناشویی و خانوادگی از این انحراف ریشه می‌گیرند. ناآگاهی از قانون «همراهی همیشگی دشواری‌ها با آدمی در این دنیای خاکی» (بلد: ۴)، به عنوان یکی از آموزه‌های قرآنی، مثال دیگری برای انحراف از سنت‌های هستی است که از پیامدهای آن، رویاوری شناختی، هیجانی و رفتاری نامناسب با دشواری‌هاست.

سه) حکیم بودن کلام قرآن

حکمت به معنای انجام چیزی از طریق شایسته آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۷۷). مطابق این معنا، به مناسبت کامل گزاره‌های مشاوره‌ای با شرایط مراجع، «مشاوره حکیمانه» گفته می‌شود. قرآن حکیم این ویژگی را در خود دارد. خداوند در پنج مورد (یونس: ۱؛ لقمان: ۲؛ یس: ۱؛ آل عمران: ۵۸؛ اسرا: ۳۹)، صفت حکیم را برای قرآن ذکر فرموده است. حکیم بودن قرآن به این معناست که به شناخت و معرفتی هدایت می‌کند که می‌توان به وسیله آن، راه نجات را از راه هلاکت تشخیص داد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۱۳۴)

حکیم بودن کلام قرآن در آموزه‌های هدایت‌گرش دیده می‌شود؛ برای مثال، خداوند در یک آیه، شومی هر شخصی را با خودش می‌داند: «قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ» (یس: ۱۹) و در آیه دیگر، شومی و بدبختی را از خداوند دانسته است: «قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ». (نمل: ۴۷)

در هر دو آیه به یک آموزه، اما از دو زاویه پرداخته شده است که متناسب با نوع گفتار مخاطبان انتخاب شده‌اند. آیه نخست در برابر مخاطبانی است که خود را میرا کرده و پیامبران را مقصر کرده‌اند. پیامبران در مقام آموزش مخاطبان گمراهشان، به آنان توصیه می‌کنند که بداقبالی‌شان را در وجود خود و نگرشها و رفتار خود بیابند. در در دومین آیه، خداوند در مقام قدرت‌نمایی حضرتش در قالب سنت امتحان و فرو فرستادن عذاب الهی بر آنان، بداقبالی را به حضرت حقش نسبت داده است. این نسبت دادن را با حرف «عند» آورده تا به نکته ظریفی هم اشاره شود. به این معنا که قانون «همراهی بخت هر شخصی با خودش»، از خداوند و واسطه‌های نظام خلقتش نشأت گرفته است. به تعبیر دیگر؛ از نزد خداوند چنین مقدر شده که اقبال هر شخصی، ریشه در خود فرد داشته باشد. برای استنباط آموزه‌های مشاوره‌ای از

این آیات نیز باید با الگوگیری از حکمت الهی، برای هر مراجعی به تناسب شرایطش اقدام کرد.

چهار) زبان قرآن

صاحب‌نظران در علم مشاوره، نظریه‌های خود را بر اصول مبتنی بر تجربه و آزمایش بنا کرده‌اند؛ حال آنکه آموزه‌های قرآنی مبتنی بر تجربه حسی نیستند، بلکه مستند به الهی بودن کلام‌اند. با نظر به این موضوع، پرسش در خور توجه این است که آیا زبان قرآن با اینکه مبتنی بر تجربه و آزمایش نیست، برای استنباط گزاره‌های مشاوره‌ای معنادار است؟ برای پاسخ به این سؤال، ویژگی‌های معناداری زبان قرآن و گفتاری بودن آن قابل طرح است.

- معناداری زبان قرآن

زمانی می‌توان از گزاره‌های هدایتی قرآن، گزاره‌هایی مشاوره‌ای استنباط کرد که معناداری آن گزاره‌ها اثبات شوند. به تعبیر دیگر؛ باید اثبات شود که گزاره‌های قرآنی، مبتنی بر علم و حکمت و واقعیت و مطابق با موضوعات و اهدافی تعریف شده می‌باشند. اگرچه این موضوع امری بسیار بدیهی به نظر می‌رسد، اما چالش زمانی پدید آمد که در مکتب پوزیتیویسم، معناداری گزاره‌ها را تنها مبتنی بر اصل تجربه حسی دانستند. پیروان این مکتب بر این باورند که گزاره‌های الهی نه صادق‌اند و نه کاذب، بلکه فاقد معنایند. اما شأن منطقی خود اصل تحقیق‌پذیری، بحث‌برانگیز است. به این معنا که قضیه «فقط قضایا و تعاریفات تحقیق‌پذیر معنادارند»، تحقیق‌پذیری علمی ندارد؛ زیرا بی‌معنایی یک ویژگی مشاهده‌پذیر نیست. از سوی دیگر، یک تعریف^۱ هم نیست؛ زیرا می‌توان تعاریف دیگری از معنا هم در پیش گرفت. معناداری نمی‌تواند به سادگی مترادف با تجربیات تحقیق‌پذیر باشد (باربور، ۱۳۷۹: ۲۷۸-۲۸۰). به تعبیر دیگر؛ اگر فرض کنیم که معناداری گزاره در گرو تحقیق و اثبات آن باشد، در گرو تحقیق‌پذیری منطقی آن است و نه در گرو خصوص تحقیق‌پذیری تجربی (سبحانی، ۱۳۷۶: ۸). مضاف بر آن، یکی از شناخته‌های معتبر در دانش‌های امروز، شناخت تجربی غیر مستقیم است. چه بسا خود گزاره به طور مستقیم آزمون نمی‌شود، اما آثار آن کاملاً محسوس است و ما را به وجود صاحب‌نشانه رهبری می‌کند. (همان: ۹)

گذشته از این سخن، گزاره‌های دینی در سطح تجربی و در مقام گردآوری، به طور عمده به روش اجتهادی؛ یعنی روش استنباط از متون دینی متکی است و در مقام داوری، علاوه بر روش غیر تجربی (عقلی و نقل دینی) (خسروپناه، ۱۳۹۴: ۲۰)، از روش تجربی پیروی

۱. تعریف، مانند «مثلث سه گوش دارد».

می‌کند؛ روشی که بر آزمونهای منجر به تأیید یا ابطال فرضیه‌های برگرفته از متون دینی استوار است (بستان، ۱۳۹۸: ۳۳). استنباط از آموزه‌های هدایتگر قرآن و ارزیابی تجربی برای تحقق معناداری آنها در حیطه علم مشاوره، طی تحقیقهای میدانی یا موردپژوهی‌های بسیار ثابت شده است. (ر.ک: نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۸۲)

– گفتاری بودن زبان قرآن

همان‌گونه که گفته شد، یکی از اصول مشاوره، مناسبت آموزه‌های مشاوره‌ای با شرایط مراجع است. به تعبیر دیگر؛ نمی‌توان هر آموزه‌ای را برای هر مراجعی به کار برد؛ بلکه بنا به شخصیت، سن، فراگیری، توانایی، مکان اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی و دیگر متغیرهای اثرگذار در شرایط مراجع، آموزه‌های ارائه شده متفاوت می‌شود.

آموزه‌های هدایتگر قرآن، قضیه‌های حقیقی و واقعی‌اند که در پی رخدادهای گوناگون یا در قالب موضوعات مطروحه به اقتضای زمان و مکان خود به صورت شفاهی و گفتاری بر پیامبر (ص) نازل می‌شد. به تعبیر دیگر؛ موضوعاتی در واقعیت رخ داده‌اند که بر اساس آنها خداوند آموزه‌هایی را در قالب گزاره‌های قرآنی به مخاطبانش ارائه داده است. این ویژگی از قرآن که همسو با اصل مناسبت آموزه‌های مشاوره‌ای با مراجعان است، بستری را فراهم می‌کند تا بتوان از آموزه‌های هدایتگر قرآن، گزاره‌های مشاوره‌ای استنباط کرد. اگرچه در جوامع امروزی، دشواری‌ها پیچیده‌تر و گوناگون‌تر از عصر نزول قرآن شده‌اند، اما در پایه و اساس مشترک‌اند. بنابر این، می‌توان از آن آموزه‌ها برای شرایط همسان در جامعه کنونی بهره جست. برای مثال، کج‌اندیشی در مسئله قضا و قدر و تباین ظاهری‌اش با اختیار آدمی، همواره ریشه برخی افکار و رفتار نادرست بوده است. قرآن کریم با توجه به شرایط مخاطبانش، با بیانهای گوناگونی به شرح حقیقت این موضوع می‌پردازد. یقیناً در جامعه امروزی نیز کج‌اندیشی درباره این موضوع، اختلالات گوناگون شخصیتی و خانوادگی را در پی دارد. بر اساس این نقطه اشتراک، می‌توان با توجه به شرایط ویژه هر مراجعی که گرفتار این کج‌اندیشی شده است، از یکی از بیانات گوناگون قرآن که در این زمینه، همسان با شرایط مراجع بوده، به عنوان آموزه مشاوره‌ای بهره جست. مراجعی که گرفتار خطای شناختی «بایدها و نبایدها» شده، از آموزه‌هایی بهره می‌جوید که به مسئله قضا و قدر الهی و اراده حکیمانه خداوند بر رخدادهای اشاره می‌کند. اما این آموزه درباره مراجعی که به «خودکم‌بینی» دچار شده است، جایگاهی ندارد؛ بلکه باید در نظر او به جایگاه ارزشمند اختیار آدمی در نظام آفرینش اشاره شود.

پنج) وجود موضوعات مبنایی آموزه‌های مشاوره‌ای در قرآن

بر اساس هدف هدایتگری قرآن، آموزه‌های هدایتی این کتاب حکیم در گستره شناختی، رفتاری و عاطفی، تحت موضوعات انسان، پیرامونش و سنتهای حاکم بر نظام انسانی، همه قرآن را فرا گرفته است. این موضوعات با هدف هدایتگری، بستر مناسبی را برای استنباط آموزه‌های مشاوره‌ای از قرآن فراهم می‌آورد. برای مثال، فردی با اختلال افسردگی، دچار خطاهای شناختی می‌شود که این مشکل ریشه در ناآگاهی او از ویژگی‌های فردی و نوعی خویشتن و ناآشنایی با سنتهای حاکم بر نظام انسانی دارد. با استنباط از آموزه‌های هدایتی قرآن در آیات حاکی از ویژگی‌های فردی و نوعی و جایگاه ارزشمند انسان در نظام هستی (موسوی و همکاران، ۱۳۹۲)، همچنین آیات بیانگر سنتهای حاکم بر نظام انسانی (موسوی و نجفی، ۱۳۹۴)، می‌توان به آموزه‌های مشاوره‌ای دست یافت که خطاهای شناختی افسرده‌ساز را اصلاح می‌کند.

بر پایه مبانی‌ای که در عناوین فوق بررسی شد، می‌توان دریافت که موضوع، هدف و ویژگی‌های قرآن، بستر مناسبی برای استنباط آموزه‌های مشاوره‌ای از آن را فراهم می‌کند؛ زیرا موضوع قرآن، انسان و جهانهای پیرامونش و سنتهای حاکم بر آن است. هدف آن نیز هدایت آدمی برای بهتر زیستن می‌باشد. همچنین ویژگی‌هایی مانند معناداری و گفتاری بودن زبان قرآن، فطری بودن آموزه‌ها و سخنگویی حکیمانه قرآن کریم، شرایطی همسان با شرایط مشاوره را پدید می‌آورد.

۲. مبانی قرآنی در حیطة جواز حکمی‌سازی علم مشاوره

با این پیش‌فرض که قرآن به طور ویژه به علم مشاوره نپرداخته، آموزه‌های مشاوره‌ای باید از قرآن حکیم استنباط شوند و استنباط، مستلزم تعقل، تدبیر و اجتهاد است. بنابر این، ضرورت دارد که بعد از اثبات مبنایی امکان دریافت آموزه‌های مشاوره‌ای از آیات حکیم، به بررسی مبنایی جواز استنباط آموزه‌های مشاوره‌ای از قرآن پرداخت.

در آیات متعددی، خداوند مخاطبانش را به تدبیر در قرآن فرا خوانده است؛ «کتاب آنزّلناه إِلَیکَ مُبارکٌ لَیدَّبُرُوا آیاته وَ لَیتَدَّکَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (ص: ۲۹)؛ [این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در [باره] آیات آن بیندیشند و خردمندان پند گیرند. تدبیر از ریشه «دبر» به معنای تفکر به عمق مطلبی و پشت چیزی را دیدن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۰۶). پس تدبیر در قرآن، نوعی خاص از تفکر در لایه‌های معنایی قرآن است. به عبارت دیگر؛ استنباط از آیات قرآن از طریق تدبیر حاصل می‌شود. با نظر به امکان استنباط آموزه‌های

مشاوره‌ای از قرآن، می‌توان مطابق با آیات تدبّر، دریافت این آموزه‌ها از قرآن را نیز جایز دانست.

آنچه جواز استنباط آموزه‌های مشاوره‌ای از آیات قرآن را به چالش می‌کشاند، روایات نکوهش تفسیر به رأی است (قمی، ۱۳۶۲: ۶؛ عیاشی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۷؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۷)؛ زیرا استنباط گزاره‌های مشاوره‌ای از قرآن، مستلزم به کارگیری تعقل و اجتهاد است. بنابر این، رخنه تحمیل رأی بر آیات برای استنباط آموزه‌های مشاوره‌ای احتمال دارد. اما منع تفسیر به رأی به یکی از این دو وجه برمی‌گردد: نخست اینکه شخص تفسیرکننده بخواهد برای نظر خود دستاویزی بجوید؛ بنابر این، نظر خود را بر آیات تحمیل می‌کند. وجه دوم این است که فقط به ظاهر عربی قرآن در مقام تفسیر بسنده کرده و بدون توجه به فنون بلاغی و سماع و نقل تفسیر کن (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۱: ۶۳). بنابر این، تفسیر به رأی در واقع به روش ناصحیح در رسیدن به مراد خداوند اشاره داشته، منافاتی با اصل استنباط موضوعات عصری از قرآن کریم ندارد. به تعبیر دیگر؛ استنباط هر موضوعی از آیات، پس از جستجوی قراین متصل و منفصل در کتاب یا سنت و دلیل عقلی، تفسیر به رأی محسوب نمی‌شود. (موسوی خویی، ۱۳۹۴: ۲۶۹)

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

علم مشاوره از آن دسته علوم رفتاری در حوزه علوم انسانی است که برای تحول به سوی اسلامی شدن، از نظر موضوع، محتوا و هدف، اقتضائات و زمینه‌های مناسبی دارد. الگوی حکمی‌سازی علوم انسانی نیز می‌تواند در راستای نظام‌مند کردن این تحول، کمک شایانی کند. در همین راستا، اولین گام برای نظام‌مند کردن گزاره‌های هدایتگر قرآن با هدف استنباط گزاره‌های مشاوره‌ای قابل پذیرش در علم مشاوره، تبیین مبانی قرآن‌شناختی آن گزاره‌هاست. در دو حیطه امکان و جواز استنباط گزاره‌های مشاوره‌ای، مبانی قرآن‌شناختی پردازش شده است.

مبنای جامعیت قرآن حتی مطابق با دیدگاه حداقلی، این امکان را می‌دهد که بتوان گزاره‌های هدایتگر قرآن را در مسیر گزاره‌های مشاوره‌ای قرار داد؛ زیرا موضوع قرآن، انسان و هدایتگری قرآن نیز با هدف تغییر انسان محقق به سوی انسان مطلوب است؛ بنابر این، با موضوع و هدف علم مشاوره کاملاً هماهنگ است. وجود موضوعات مبنایی برخاسته از هدف هدایتگری در قرآن کریم نیز امکان استنباط گزاره‌های مشاوره‌ای را از نظر محتوایی فراهم می‌کند.

مبنای فطری بودن محتوای قرآن کریم به عنوان یکی از مبانی قرآن‌شناختی برای حکمی‌سازی علم مشاوره، این امکان را فراهم می‌کند که با استناد به قواعد استنباطی، پیام آیات را استخراج و از آنها آموزه‌های مشاوره‌ای را تبیین کرد.

با تلفیق دو ویژگی مبنایی معناداری زبان قرآن و سبک گفتاری آن با مبنای حکیم بودن آیات کریمه، از یک سو زبان قرآن را برای پذیرش پژوهشهای تجربی علم مشاوره آماده می‌کند و از سوی دیگر، مفاهیم غیر قابل پذیرش در حیطه پژوهشهای تجربی با اتکا به ویژگی حکمت و سبک گفتاری آیات کریمه، که نشان‌دهنده رعایت حال و مقام مخاطب است، در علم مشاوره قابل پذیرش می‌شود.

آیات حاکی از تدبّر در قرآن کریم، جواز استنباط گزاهای مشاوره‌ای از آیات کریمه را صادر می‌کنند؛ اما با استناد به روایات پرهیز از تفسیر به رأی، تدبّر برای استنباط گزاره‌های مشاوره‌ای باید با رعایت قواعد استنباطی و به صورت نظام‌مند و هدفمند انجام شود.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر.
- امام صادق (ع)، جعفر بن محمد (۱۴۰۰ ق). **مصباح الشریعه**. قم: مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات.
- ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۰). **جامعیت قرآن**. قم: کتاب مبین.
- باربور، ایان (۱۳۷۹). **علم و دین**. ترجمه بهاء‌الدین خرماهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بستان، حسین (۱۳۹۸). «**بازخوانی مدل اجتهادی تجربی علم دینی**». *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۹۸: ۴۹-۳۰.
- خدایاری‌فرد، محمد (۱۳۸۱). «**روان‌درمانی و معنویت، عبور از مرز میان درمان و مذهب**». *مجله حقوقی*، ش ۳۱: ۱۶۱-۱۵۶.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۰). «**الگوی حکمی - اجتهادی علوم انسانی**». *جاویدان خرد*، ش ۱۹: ۶۹-۲۹.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۷). «**درآمدی بر الگوی حکمی و اجتهادی علوم اجتماعی اسلامی، تحقیقات بنیادین علوم انسانی**». *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، ش ۱۳: ۷-۳۵.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۴). «**روش‌شناسی و مبانی فلسفی حکمی - اجتهادی در علوم رفتاری و اجتماعی اسلامی**». *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی*، دوره دوم، ش ۱: ۳۶-۱۷.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). **المفردات فی غریب القرآن**. دمشق، بیروت: الدار الشامیه.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق). **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**. بیروت: دار الکتب العربی.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۶). «زبان دین تئوری تحقیق پذیری معنا». کلام اسلامی، ش ۲۴: ۲۰-۴.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۹۴). **الإتقان فی علوم القرآن**. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- شفیق آبادی، عبدالله (۱۳۷۱). **فنون و روشهای مشاوره**. تهران: اسپند هنر.
- صافی، محمود بن عبدالرحیم (۱۴۱۸ ق). **الجدول فی اعراب القرآن**. دمشق: دار الرشید مؤسسه الإیما.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جری (۱۴۱۲ ق). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار المعرفه.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۴۱۲ ق). **تفسیر العیاشی**. تهران: چاپخانه علمیه.
- فرانکل، ویکتور (بی تا). **خدا در ناخودآگاه**. ترجمه ابراهیم یزدی. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فقیهی، علینقی (۱۳۸۶). «آموزشهای روان‌شناختی مبتنی بر قرآن و حدیث و بررسی روانی و تربیتی آن در روابط همسران». *تربیت اسلامی*، ش ۴: ۸۹-۱۳۰.
- فقیهی، علینقی (۱۳۸۴). **بهداشت و سلامت روان در آینه علم و دین**. قم: حیات سبز.
- قمی [شیخ صدوق]، ابن بابویه محمد بن علی (۱۳۶۲). **الامالی**. تهران: کتابخانه اسلامی.
- محدث نوری (۱۴۰۸ ق). **مستدرک الوسائل**. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). **فطرت**. تهران: صدرا.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۲۹ ق). **التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب**. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مبانی قرآن‌شناختی برای حکمی‌سازی علم مشاوره ♦ ۲۳۱

- موسوی، فاطمه؛ محمدجواد نجفی و محمدکاظم رحمان ستایش (۱۳۹۲). «آیات انسان‌شناسی و نقش آن در شناخت‌درمانی افسردگی». *مطالعات تفسیری*، ش ۱۵: ۴۱-۵۴.
- موسوی، فاطمه و محمدجواد نجفی (۱۳۹۴). «شناخت‌درمانی افسردگی با تکیه بر آموزه‌های قانونمند قرآنی». *علوم قرآن و حدیث*، ش ۹۴: ۷۹-۹۸.
- موسوی خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۴). *البيان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران (۱۳۸۲). *اسلام و بهداشت روان (مجموعه مقالات)*. تهران: دفتر نشر معارف.

- Ayashi, Mohammad Bin Masoud (1991). *Tafsir Al-Ayashi*. Tehran: Tehran Ilmia Printing House.
- Ayazi, Seyyed Mohammad Ali (2001). *The Completeness of the Qur'an*. Qom: Kitab Mobin.
- Barbour, Ian (2000). *Science and religion*. Translated by Bahauddin Khorramshahi. Tehran: University Publishing Center.
- Bostan, Hossein (2019). "Rereading the experimental Ijtihad model of religious science". *Methodology of Human Sciences*, No. 98: 30-49.
- Faqih, Ali Naghi (2005). *Health and mental health in the mirror of science and religion*. Qom: Hayat Sabz.
- Faqih, Ali Naghi (2007). "Psychological teachings based on the Quran and Hadith and its psychological and educational investigation in spouses' relationships". *Tarbiat Islamic Journal*, No. 4: 89-130.
- Frankel, Victor (No Date). *God in the unconscious*. Translated by Ibrahim Yazdi. Tehran: Rasa Cultural Services Institute.
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makarem (1993). *Lasan al-Arab*. Beirut: Dar Sadir.
- Imam Sadiq (a.s.), Jafar bin Muhammad (1979). *Misbah al-Sharia*. Qom: Al-Alami Foundation for Publications.
- Khodayari Fard, Mohammad (2002). "Psychotherapy and Spirituality, Crossing the Border between Therapy and Religion". *Legal Journal*, No. 31: 156-161.
- Khosropanah, Abdul Hossein (2018). "A study on the ruling model and Ijtihad of Islamic social sciences, basic research of humanities". *Basic research of humanities*, No. 13: 7-35.
- Khosropanah, Abdul Hossein (2011). "Judgmental Model - Ijtihad of Human Sciences". *Javidan Kherad*, No. 19: 29-66.
- Khosropanah, Abdul Hossein (2015). "Methodology and Philosophical Foundations of Jurisprudence-Ijtihad in Islamic Behavioral and

- Social Sciences"**. *Proceedings of the International Congress of Islamic Humanities*, second volume, No. 1: 17-36.
- Marefat, Mohammad Hadi (2008). **Al-Tafsir wa al-Mafsirun fi Thawba al-Qashib**. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences.
 - Motahhari, Morteza (1995). **Fitrat**. Tehran: Sadra.
 - Mousavi, Fatemeh & M.J. Najafi (2015). "**Cognitive-therapeutic treatment of depression based on the canonical teachings of the Quran**". *Sciences of the Qur'an and Hadith*, No. 94: 79-98.
 - Mousavi, Fatemeh; M.J. Najafi & M.K. Rahman-Setayesh (2013). "**Anthropological verses and its role in the diagnosis and treatment of depression**". *Tafsir Studies*, No. 15: 41-54.
 - Mousavi Khoei, Seyyed Abulqasem (2015). **Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an**. Beirut: Est. Al-Alami for Publications.
 - Muhadith Noori (1987). **Mustardak Al-Wasail**. Qom: Al-Bayt Institute, peace be upon them.
 - Mustafavi, Hassan (1981). **Al-Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim**. Tehran: Book Translation and Publishing Company.
 - Qomi [Sheikh Sadouq], Ibn Baboyeh Muhammad Ibn Ali (1983). **Al-Amali**. Tehran: Islamic Library.
 - Raghیب Isfahani, Hossein bin Muhammad (1991). **Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an**. Damascus, Beirut: Eldar al-Shamia.
 - Safi, Mahmoud bin Abd al-Rahim (1997). **Al-Jadval fi Arab al-Qur'an**. Damascus: Dar al-Rashid Foundation, Al-Ima.
 - Shafi Abadi, Abdullah (1992). **Counseling techniques and methods**. Tehran: Spand Honar Publications.
 - Siuti, Jalal al-Din (2015). **Al-Iqqan in the Sciences of the Qur'an**. Researched by Muhammad Abulfazl Ibrahim. Cairo: Al-Masriy Al-Aaaaa l-Kitab.
 - Sobhani Tabrizi, Jafar (1997). "**The Language of Religion, Theory of Research ability of Meaning**". *Kalam-e-Islami*, No. 24: 4-20.
 - Tabari, Abu Jafar Muhammad bin Jari (1991). **Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an**. Beirut: Dar al-Marafah.
 - Tabarsi, Fazl bin Hasan (1993). **Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an**. Tehran: Nasser Khosrow Publications.
 - Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1996). **Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an**. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society.
 - The Representative body of the Supreme Leader in Iran University of Medical Sciences (2003). **Islam and Mental Health (Collection of Articles)**. Tehran: Maaref Publishing House.
 - Zamakhshari, Mahmoud (1986). **Al-Kashaf on the facts of Gawamaz al-Tanzil**. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.